

علم أصول الفقه

٢٤-١٠-٩٢ حجية الظن في نفسه ٣٩

دراسات الأستاذ:
مهدي الهادي الطهراني

إِنَّ كُلَّ نَفْسٍ لَمَّا عَلَيْهَا حَافِظٌ

- وَ لَقَدْ قَرَنَ اللَّهُ بِهِ ص مِنْ لَدُنْ أَنْ كَانَ فَطِيمًا أَكْبَرُ مَلِكٍ مِنْ مَلَائِكَتِهِ يَسُوكُ بِهِ طَرِيقَ الْمَكَارِمِ وَ مَحَاسِنِ أَخْلَاقِ الْعَالَمِ لَيْلَهُ وَ نَهَارَهُ

إِنْ كُلُّ نَفْسٍ لَمَّا عَلَيْهَا حَافِظٌ

• الطارق : ٤ إِنْ كُلُّ نَفْسٍ لَمَّا عَلَيْهَا حَافِظٌ

إِنْ كُلُّ نَفْسٍ لَمَّا عَلَيْهَا حَافِظٌ

- إِنْ كُلُّ نَفْسٍ لَمَّا عَلَيْهَا حَافِظٌ قَالَ الْمَلَائِكَةُ (تفسير القمي، ج ٢، ص: ٤١)

إِنْ كُلُّ نَفْسٍ لَمَّا عَلَيْهَا حَافِظٌ

- و قوله (إِنْ كُلُّ نَفْسٍ لَمَّا عَلَيْهَا حَافِظٌ) جواب القسم و (إِنْ) هاهنا المخففة من الثقلة التي يتلقى بها القسم، و المعنى إن كل نفس لعلها حافظ - فيمن خفف - و من شدد قال: (ان) بمعنى (ما) و تقديره ليس كل نفس إلا عليها حافظ. و قال قتادة: حافظ من الملائكة يحفظون عمله و رزقه و أجله، فالحافظ المانع من هلاك الشيء حفظه يحفظه حفظاً و احتفظ به احتفاظاً فأما أحفظه فمعناه أغضبه، و تحفظ من الأمر إذا أمتنع بحفظ نفسه منه و حافظ عليه إذا واطب عليه بالحفظ (التبيان في تفسير القرآن، ج ١٠، ص: ٣٢)

حجية الظن في نفسه

١- وجوب دفع ضرر مظنون

٢- قبح ترجيح مرجوح

٣- تبعيض در احتياط

٤- انسداد

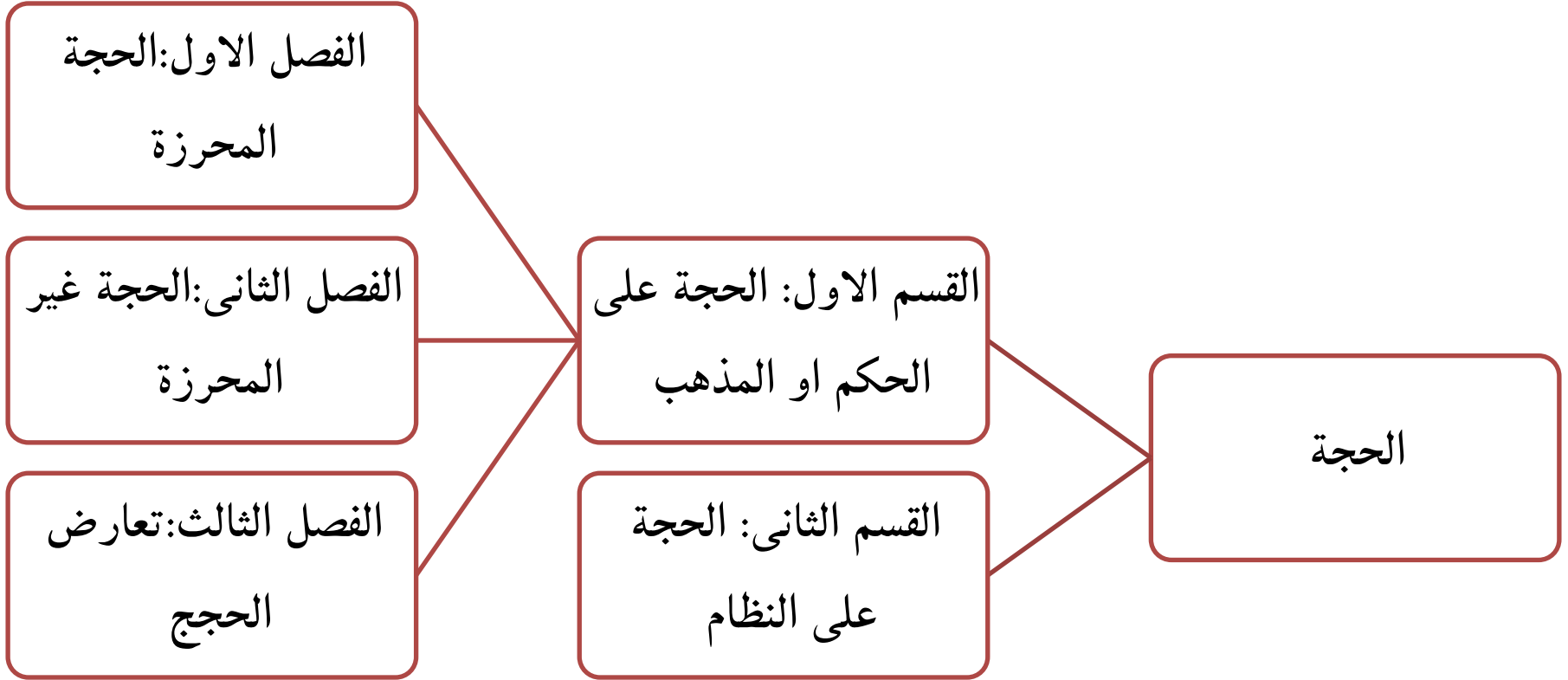
٥- حق الطاعة

ادله حجيت
ظن في نفسه

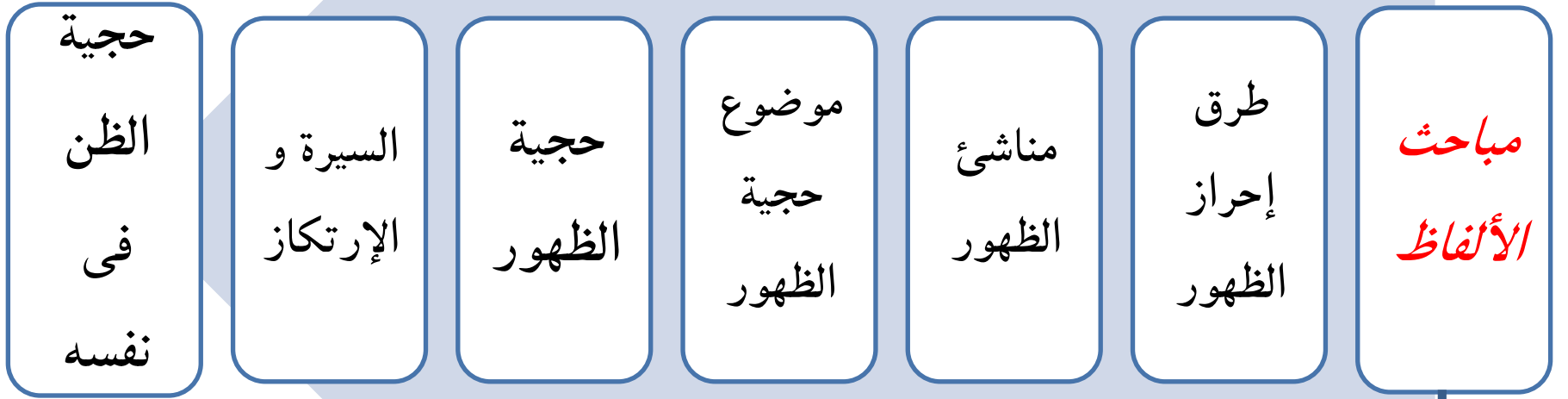
نتیجه بحث حجیت ظن فی نفسه

- نتیجه این است که دلیلی بر حجیت ظن فی نفسه وجود ندارد؛ هر چند از نظر عقلی مانعی هم برای حجیت مطلق الظن یا بعضی از ظنون خاصه در نظر شارع وجود ندارد.

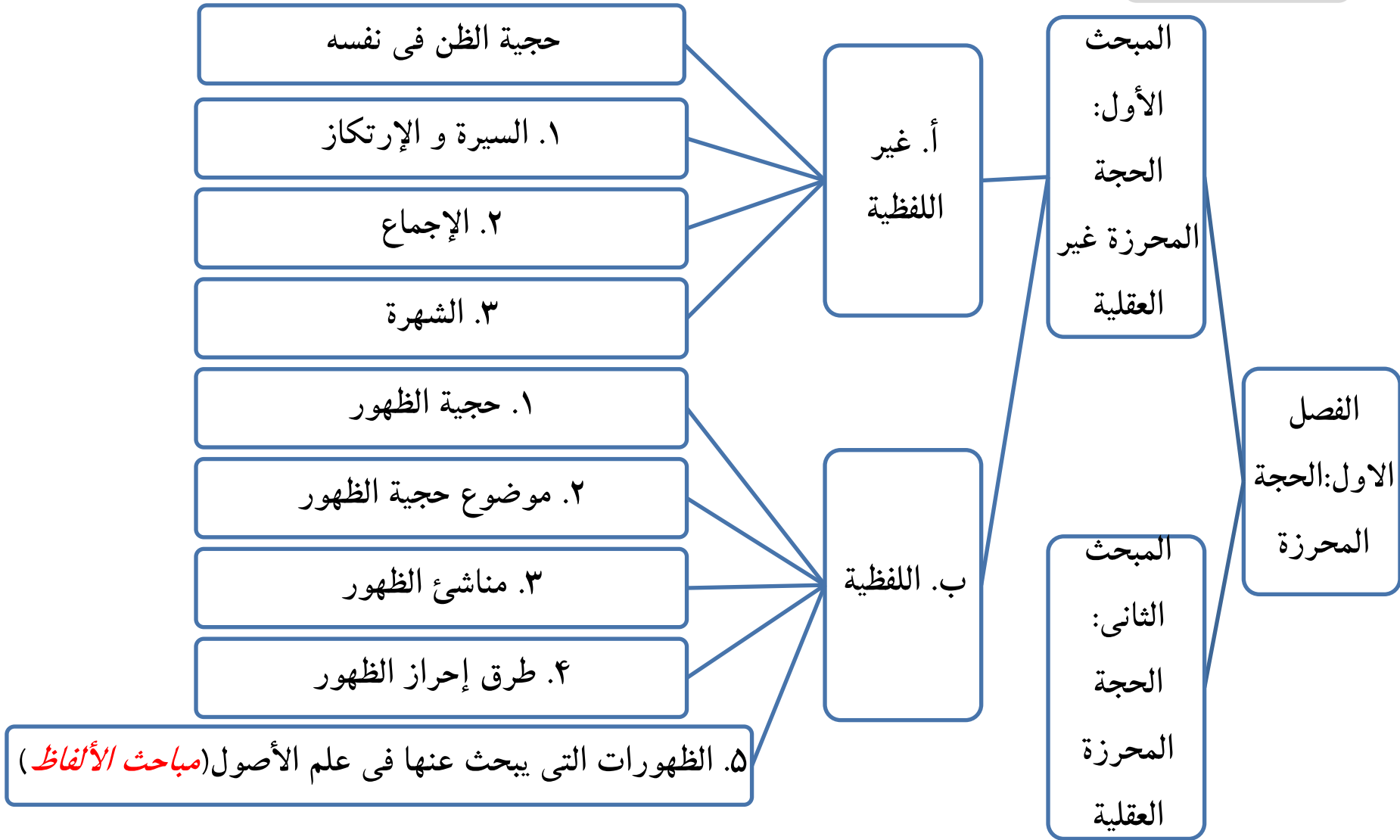
علم أصول الفقه

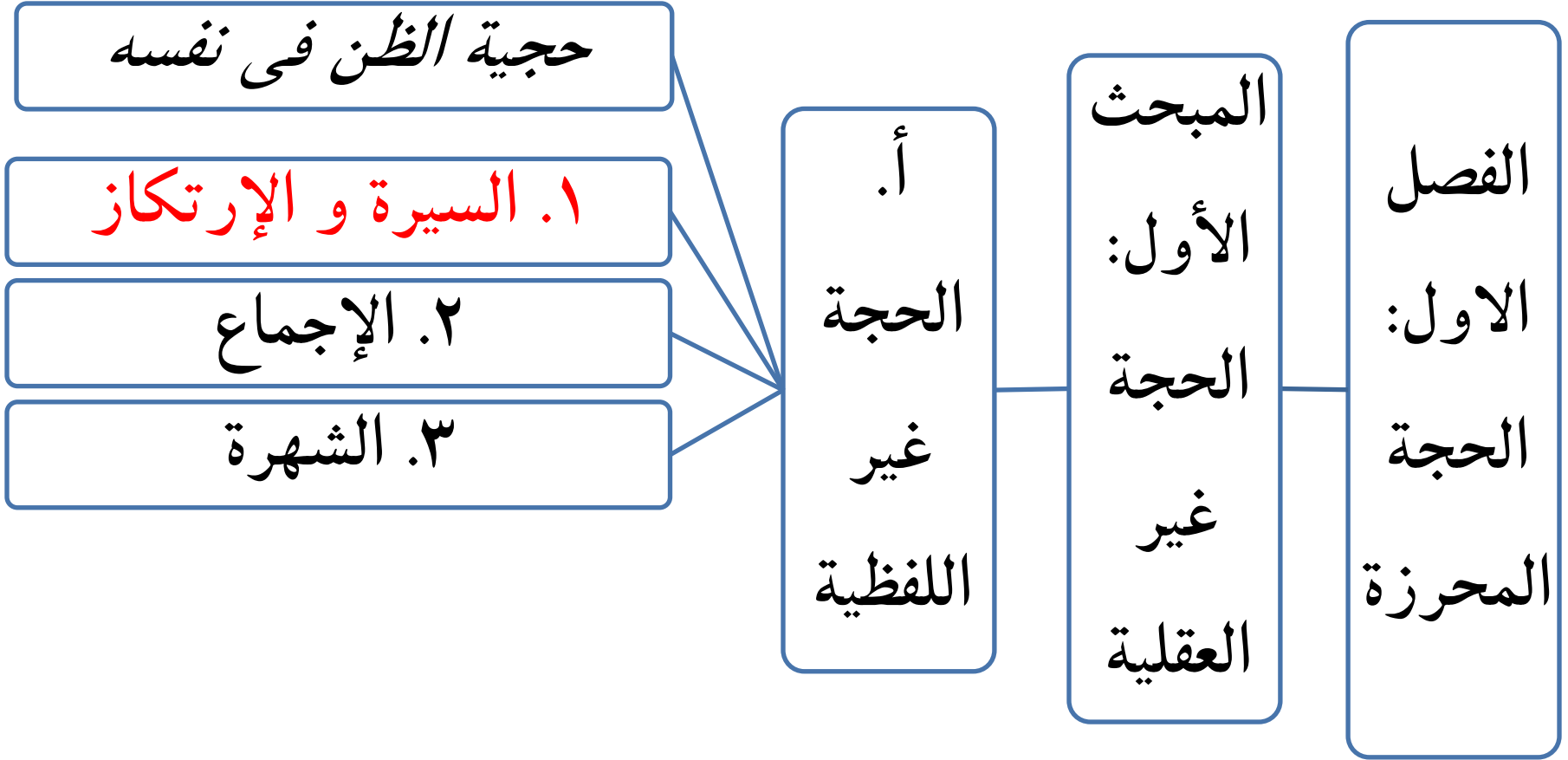


ترتيب اصول متعارف



(الظهورات التي
يبحث عنها فى
علم الأصول)





بحث دوم: سیره و ارتکاز

- در فلسفه علم اصول به بحث ثبات ارتکاز و سیره‌ی عقلا پرداختیم و اشاره کردیم که بحث ثبات ارتکاز و سیره‌ی عقلا مطلبی است که مربوط به فلسفه‌ی علم اصول فقه می‌شود؛ اما بعدها در خود علم اصول به مطالب دیگر در این زمینه خواهیم پرداخت.

بحث دوم: سیره و ارتکاز

- بحث سیره و ارتکاز در کلمات فقها و اصولی‌ها منقح نشده است. به همین دلیل هر جا در فقه به این بحث می‌رسیم، با ابهام مواجهیم.
- فقها و اصولی‌های گذشته خیلی از مسائل فقهی را با تمسک به شهرت و به خصوص اجماع اثبات کرده‌اند؛ در حالی که اصلاً اجماعی در کار نبوده و شهرت بوده است.

بحث دوم: سیره و ارتکاز

- این نکته در فقه و اصول شیخ انصاری - رضوان الله تعالی علیه - به شدت خود را نشان می‌دهد. او در اصول، حجیت اجماع و شهرت را نفی می‌کند؛ ولی در بحث فقهی می‌بینیم کتاب مکاسب او پر از تمسک به اجماع و شهرت است و این باعث شد که بعضی‌ها بگویند اصولی‌ها چقدر در علم اصول بحث می‌کنند ولی وقتی می‌خواهند به فقه وارد شوند، همه توشه اصولی خود را دم در می‌گذارند و بعد وارد می‌شوند.

بحث دوم: سیره و ارتکاز

- این انتقاد در خصوص روش شیخ - رضوان الله تعالى عليه - در فقه بیشتر از دیگران است؛ چون در آثار قدما نقد و بررسی اجماع و شهرت و نفی آن به این اندازه و صراحت نیست که وی انجام داده است. در حقیقت او می بیند در فلان مسأله به یقین باید همین طور فتوا دهد ولی دلیلی ندارد. به همین سبب از اجماع و شهرت کمک می گیرد.

بحث دوم: سیره و ارتکاز

- شهید صدر - رضوان الله تعالى عليه - می فرماید بسیاری از مطالبی که فقهای گذشته با تمسک به اجماع و شهرت آن را حل می کنند، در واقع مفاد ارتکازات و سیره های عقلائی و متشرعی است و آنها در واقع به ارتکاز و سیره تمسک کرده اند؛ اما چون مفهوم ارتکاز و سیره برای آنها مشخص و منقح نبود، از آن به اجماع و شهرت یاد کرده اند.